



رابطه بین اعتماد و دلبستگی با روابط نزدیک بین فردی زوجین شهر بندرعباس

سید ابراهیم میرعالی^۱

دکتر سیدرضا فلاح چای^۲

دکتر اقبال زارعی^۳

چکیده

هدف: این پژوهش به دنبال بررسی رابطه بین اعتماد و دلبستگی با روابط نزدیک بین فردی زوجین بود.

روش: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین ساکن شهر بندرعباس بود که یک سال از ازدواج آن‌ها گذشته و دارای سواد بالاتر از سیکل یک (سوم راهنمایی) بودند. از این جامعه نمونه‌ای با حجم ۳۲۴ نفر (۱۶۲ زوج) به روش در دسترس انتخاب شد. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه روابط بین فردی (IRS)، پرسشنامه تجدید نظر شده تجارب روابط نزدیک (ECR-R) و اعتماد در روابط نزدیک بین فردی استفاده شد. روش آماری مورد استفاده شامل آمار توصیفی و تحلیلی استنباطی به روش تحلیل رگرسیون، واریانس یک راهه و آزمون تعقیبی شفه بود.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که رابطه بین اعتماد و دلبستگی زوجین با روابط نزدیک بین فردی آن‌ها معنا دار است و به طور کلی متغیرهای مستقل اعتماد و دلبستگی زوجین می‌توانند متغیر وابسته روابط نزدیک بین فردی زوجین را پیش‌بینی و تبیین نمایند. **نتیجه‌گیری:** به طور کلی در تبیین روابط نزدیک بین فردی زوجین، اعتماد و دلبستگی دارای سهم ویژه‌ای بوده و باید عملکرد هر دو همزمان مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: اعتماد، دلبستگی، روابط نزدیک بین فردی و زوجین

مقدمه

امروزه، زندگی انسان‌ها در تمامی ابعاد دستخوش تغییرات سریع و شگرفی شده است. بازتاب ماهیت این تغییرات و تحولات در زندگی فردی و اجتماعی افراد کاملاً محسوس و ملموس است. ازدواج و زندگی زناشویی و تشکیل خانواده نیز از این قاعده مستثنی نیست. زن و مرد به دلایل متعدد از جمله عدم شناخت از هم دیگر، انتظارات و توقعات غیرواقعی از ازدواج و همسر، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی، لاجرم مسائل و مشکلات بسیاری را پیش رو خواهند داشت. افراد برای حفظ و بقای خانواده، رضایتمندی زناشویی را در روابط نزدیک تجربه می‌کنند عوامل زیادی رضایت مندی زناشویی زوجین را تحت الشعاع خود قرار داده است از جمله آن عوامل روابط نزدیک بین فردی است. قلمرو موضوعی روابط نزدیک بین فردی را می‌توان در بخش‌های مختلف مورد بررسی قرار داد، از جمله اعتماد و دلبستگی در روابط نزدیک.

روابط بین فردی فرآیندی است که در آن یک فرد اطلاعات و احساسات خود را از طریق پیام‌های کلامی و غیر کلامی به فردی یا افرادی دیگر می‌رساند. این توانایی موجب تقویت رابطه گرم و صمیمی با دیگران، حفظ و ارتقای سلامت روانی، قطع روابط ناسالم، حل مسائل و مشکلات خود با دیگران و رفع تضادها و تعارض‌ها می‌شود. هم‌چنین در این گونه روابط نقش‌گیرنده و فرستنده پیام به طور مداوم جا به جا می‌شوند (کربلایی و همکاران، ۱۳۸۵). این جا به جایی سبب می‌شود تا افراد بخش عمده‌ای از زندگی خود را در ارتباط با دیگران سپری کنند. انسان موجودی اجتماعی است به همین خاطر به روابط نزدیک بین فردی نیاز

۱. کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده دانشگاه هرمزگان ایمیل: s.ebi.miraali@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه هرمزگان

۳. دانشیار دانشگاه هرمزگان



دارد. سلامتی روان افراد بستگی کاملی با کیفیت روابطشان با دیگران دارد. بسیاری از دانشمندان یکی از شاخص های سلامتی را میزان برقراری و حفظ روابط نزدیک و تشریک مساعی با دیگران ذکر می کنند. افرادی که در این نوع روابط دچار مشکل هستند، اغلب دچار اضطراب های بیهوده و انزوای روز افزون می شوند. به همین دلیل برای دور ماندن از رنج و تنهایی و کسب محبت از دیگران اغلب مجبور به برقراری روابط انسانی موثر و مفید با دیگران هستند (زیو^۱، ۲۰۱۰). روابط بین فردی یک تعامل گزینشی نظام مند منحصر به فرد و رو به پیشرفت است که سازنده شناخت طرفین از یکدیگر است و موجب خلق معانی مشترک در بین افراد می شود. روابط خانوادگی، روابط همسالان، روابط همسران مهم ترین انواع روابط نزدیک بین فردی هستند وود^۲ (۲۰۰۱).

ساختار یک خانواده متعادل بر پایه روابط نزدیک زناشویی صحیح استوار است. یکی از عواملی مهم در استحکام این رابطه دلبستگی است. دلبستگی، از عوامل موثر در تعاملات بین فردی است که در نتیجه ی روابط نزدیک فرد با چهره های دلبستگی (والدین، همسالان و همسر) شکل می گیرد و به طور معناداری بر عملکرد و رابطه ی نزدیک تاثیر می گذارد (بالبی، ۱۹۶۹). نظام دلبستگی در روابط والدین-کودک و پس از آن در روابط نزدیک بین افراد فعال است و در نوزادی، کودکی و بزرگسالی روابط دلبستگی تاثیرات نیرومند بر رفتار، شناخت ها و هیجان ها دارند این فرضیه الگو یا کیفیت دلبستگی در رابطه ی والدین-کودک را مشابه یا حتی تاثیرگذار در الگو یا کیفیت دلبستگی در روابط بزرگسالی است (کراول^۳ و تریباکس^۴، ۲۰۰۸). تحقیقات در زمینه دلبستگی نشان دهنده این است که دلبستگی نقش مهمی را در پیوندهای بزرگسالان نظیر روابط نزدیک بین فردی در روابط زناشویی بازی می کند. پژوهش هایی که در مورد روابط زناشویی همسران انجام گرفته است بر وجود تفاهم و تاثیر دلبستگی در روابط نزدیک زناشویی صحنه می گذارد. مجموعه این پژوهش ها این نکته را برجسته می کند که دلبستگی بزرگسالان در زندگی زناشویی بسیار با اهمیت است، ولی ممکن است تفاوت های بارزی از جهات گوناگون میان همسران با توجه به سبک های دلبستگی وجود داشته باشد (مظاهری، ۱۳۷۹). دلبستگی های افراد همه ی لذت بردن تعامل و عمق بخشیدن به درگیری در روابط نزدیک آنها است. اگر کسی قادر به تعامل با دیگران نباشد، نتیجه آن تنهایی، افسردگی و عدم خوشحالی خواهد بود. موضوع روابط نزدیک در روابط زناشویی به قدری مهم است. که بیشتر از ۹۰ درصد زوجین آشفته ناتوانی در برقراری ارتباط را به عنوان یک مسأله مهم در روابط نزدیک بین فردی خود مطرح کرده اند. عدم برقراری رابطه بسیاری از مسیر محبت را مسدود می کند از جمله زمانی که قضاوت اخلاقی شود و انکار مسئولیت های خودش آگاهی نداشته باشد و دیگران را مجبور به انجام کاری کند (خسروی و همکاران، ۱۳۹۰). به نظر (بالبی، ۱۹۷۳)، برای تأمین سلامت روانی و رشد هیجانی و عاطفی مطلوب، برقراری روابط نزدیک صمیمی، گرم، دایمی و رضایت بخش بین فرد، با کسانی که بطور شایسته ای بتواند با آن ها رابطه برقرار کند، ضروری است. براساس نظریه ی دلبستگی فعالیت سیستم دلبستگی محدود به دوران کودکی نبوده و در تمام طول زندگی و پیوندهای عاطفی دیگری چون دوستی ها، ازدواج، روابط نزدیک بین فردی، روابط خویشاوندی و... فعال باقی می ماند وانسانها در هیچ سنی بطور کامل از احساس اعتماد نسبت به افراد مهم زندگی آزاد نیستند (هازن و شاور، ۱۹۹۴). مفهوم الگوهای فعال درونی پایه و اساس فهم چگونگی تأثیر فرایندهای دلبستگی در روابط نزدیک بزرگسالی بوده است (میلر و رمپل، ۲۰۱۱). علت اصلی تداوم و پیوستگی بین تجارب دلبستگی اولیه با شناختها، احساسات و رفتارها در روابط بعدی است میکولینسر و شاور (۲۰۰۵). این الگوها در مراحل مختلف رشد هشیارانه و ناهشیارانه (عمدتاً ناهشیارانه) در سطح روابط بین فردی تعمیم یافته، نقش مهمی در شکل گیری شناختها، عواطف و رفتارهای اشخاص در روابط نزدیکشان بازی کرده و معمولاً در مقابل اصلاح و تغییر مقاوم هستند (کولینز و

1-Ziv

2- Wood

3-Crowell

4- treboux



فینی (۲۰۰۴). مشکلات دلبستگی در روابط نزدیک امروزه به عنوان یکی از مهم ترین موضوعات در زمینه روابط نزدیک بین فردی مطرح می شود که این روابط، ماتریسی را شکل می دهند که غالب مردم، زندگی را در محدوده آن سپری می کنند. روابط، منبع آسایش، پیوند، خشنودی و هم چنین منبع تعهد، مسؤولیت و اختلاف هستند (کاپلان و سادوک، ۱۹۹۴).

تطور جوامع انسانی درگرو تراکم و پیچیدگی روابط و تعاملات اجتماعی است. چنین حجم و تراکمی بدون وجود اعتماد که درحکم خمیر مایه برای شکل گیری و پایداری روابط اجتماعی در مقیاس های فردی، میانی وکلان است، امکان پذیر نیست (غفاری، ۱۳۸۶). اعتماد یک مفهوم کلیدی است که نقش مهمی در بسیاری از شرایط اجتماعی از روابط بین فردی گرفته تا مبادلات اقتصادی ایفا می کند. در سراسر ادبیات موجود در مورد اعتماد، رویکرد های متعددی برای پرداختن به این موضوع از جمله رویکرد های اجتماعی، روانی، سیاسی، اقتصادی، شخصیتی، و مذهبی وجود داشته است (واگن، ۲۰۱۱). زمانی اعتماد در روابط به وجود خواهد آمد که اعضای آن احساس کنند که برابری، انصاف، امنیت و ثبات در درون خانواده هست و همکاری افراد با یک دیگر در گروه روابط متقابل است، روابط متقابل به این معنی است که افراد در شرایط مختلف، خودشان را جای دیگری به گذارند و شرایط را از دیدگاه او به نگرند. این مهم است که بدانند اگر در برخی شرایط با دیگران، رفتار خاصی داشته باشند، در شرایط مشابه، آن ها نیز با ما این گونه برخورد خواهند نمود اعضای خانواده از روابط مبنی بر اعتماد یک دیگر حمایت می کنند و حامی همدیگرند. زمانی که افراد به یک دیگر اعتماد می کنند در واقع به اطلاعاتی که از هم دیگر دریافت می کنند تکیه نموده اند و این اتکا و دل گرمی، اعتماد را افزایش می دهد و اکثریت افراد معتقدند که اعتماد، به روابط افراد با یک دیگر، مربوط می شود اگر افراد به صورت گشاده با یک دیگر برخورد کرده و به طور صادقانه اطلاعات را با سایر افراد به اشتراک بگذارند، این امر زمینه ساز اعتماد می گردد (خالفان^۱، ۲۰۰۷). سطح اعتماد در محدوده یک رابطه، براساس توانایی و اشتیاق افراد برای اعتماد کردن و قابل اعتماد بودن مداوم در حال تغییر است و فرآیند برقراری اعتماد به عنوان یک عقیده، یک تصمیم و یک عمل چالشی است که محققان، در این بحث با آن روبه رو هستند. اولین شکل از اعتماد، مجموعه ای از باورهای ذهنی، یکپارچه و قابل اعتماد درباره شریک دیگر می باشد و رابطه یک فرد با او که منجر به این می شود تا فرد فرض نماید که شریک دیگر احتمالاً به طریقی عمل نماید که نتایج مثبتی برای او داشته باشد و نمایش این باور، ارزیابی قابلیت اعتماد شریک دیگر است. هر چند قابلیت اعتماد بر دو ساختار مجزا می باشند. قابلیت اعتماد، ویژگی است که اعتماد شونده دارد در حالی که اعتماد چیزی است که در اعتماد کننده شکل می گیرد. معمولاً راجع به درک و به کارگیری واژه اعتماد، بدفهمی های لغوی وجود دارد، در حالی که اعتماد، آمیخته منظمی از باور، تصمیم و اعمال منتج از آن می باشد. واضح است که شکل گیری باور اعتماد به شریک دیگر و سپس اعتماد کردن یا نکردن به او به پردازش حجم عظیمی از اطلاعات اغلب متناقض نیازمند است. اعتماد کردن به دیگری، احتمالاً تنها یک نتیجه تصمیم به اعتماد در مرحله دوم می باشد. برقراری اعتماد مستلزم این باور است که دیگران تا جایی که بتوانند منافع ما را مدنظر قرار می دهند و در پی کسب منافع خود و ضربه زدن به منافع ما نیستند. علاوه بر این اعتماد مستلزم یک نوع آسیب پذیری شخصی نیز هست که علت آن عدم اطمینان به رفتار آینده دیگران است یعنی به آن رفتار اطمینان ندارند ولی معتقدند که آنان با فرد منصفانه رفتار خواهند کرد یا حداقل زبانی به او نخواهند رساند اما ممکن است به شیوه ای عمل کنند که وی را با خطراتی مواجه سازند (خنیفیر، ۱۳۸۹).

با این حال، تعداد اندکی از محققین تلاش کرده اند تا عواملو سازه های اعتماد در روابط نزدیک را شناسایی کنند و به نقش اعتماد و دلبستگی در روابط نزدیک بین فردی نپرداخته اند. اکثریت مطالعات انجام شده بر روی این موضوع، با استفاده از نمونه های دانشجویان دانشگاه با تجربه ی محدود در روابط نزدیک در جوامع غربی صورت گرفته استو به اعتماد به صورت جهانی نگاه کرده اند (موشمن^۲، ۱۹۹۹). با توجه به این که روابط نزدیک بین فردی زوجین تحت تأثیر فرآیندهای مختلفی از جمله اعتماد و

^۱- Khalfan M.M.P.

^۲- Moshman ,d.



دل بستگی در روابط آنهاست، این مولفه ها به عنوان مولفه های تأثیرگذار بر روابط نزدیک بین فردی می تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. از آنجایی که بافت اجتماعی جامعه ما متفاوت با دیگر جوامع خصوصاً جوامع غربی و بیشتر این تحقیقات در کشورهای غرب انجام گرفته است، لذا این پژوهش به شناخت بیشتر رابطه بین اعتماد و دل بستگی با روابط نزدیک بین فردی زوجین در ایران خاصه شهر بندرعباس کمیکنند. به طور کلی این پژوهش به بررسی رابطه بین اعتماد و دل بستگی با روابط نزدیک بین فردی زوجین می پردازد. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا اعتماد و دل بستگی زوجین، روابط نزدیک بین فردی آنها را پیش بینی می کند؟

روش

شرکت کنندگان و طرح پژوهش

طرح این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی و از نوع هم بستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زوجین شهر بندرعباس که حداقل یک سال از ازدواج آن ها گذشته و دارای سواد بالاتر از سیکل بود. انتخاب این جامعه از آن جهت بود که اثر شور و شوق اولیه زندگی بر اعتماد در رابطه زناشویی کنترل شود زیرا فرض بر آن بود که در ابتدا ی ازدواج میزان کیفیت رابطه زناشویی همراه با اعتماد در رابطه بین فردی بالا است. از آنجایی که در این پژوهش امکان نمونه گیری تصادفی وجود نداشته، از روش نمونه گیری داوطلبانه و در دسترس استفاده شده است و تعداد شرکت کنندگان در این طرح پژوهشی ۳۸۴ نفر (۱۹۲ زوج) بود.

ابزار: الف - پرسش نامه اعتماد در روابط نزدیک بین فردی

این پرسشنامه در پژوهشی که به موضوع سازه های اعتماد در روابط نزدیک بین فردی توسط واگن (۲۰۱۱)، انجام گرفته است و تعداد ۶۰۵ نفر در آن شرکت داشته اند و قابلیت اطمینان ۰/۹۵ (آلفای کرونباخ) را به همراه بود. مورد استفاده قرار گرفته است در ایران نیز برای اولین بار است که این پرسشنامه ترجمه و با نمونه ۳۲۴ نفر و قابلیت اطمینان ۰/۸۳۳ (آلفای کرونباخ) تایید و مورد استفاده قرار گرفته است این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی ۲۴ گویه ای است، که هدف آن آگاهی از پیش بینی افراد از نحوه ی برخورد همسرشان با آنها در آینده است و دارای چهار زیرمقیاس: قابلیت پیش بینی پذیری با نه عبارت (۷، ۸، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱)، مقیاس خیرخواهی پنج عبارت (۴، ۶، ۹، ۱۲، ۱۳)، قابلیت اعتماد و اطمینان هفت عبارت (۱، ۳، ۵، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۳)، و مقیاس عقاید و ایمان پنج عبارت (۲، ۱۰، ۱۷، ۲۲، ۲۴) است. پیش بینی پذیری به عنوان (توانایی ما در پیشگویی رفتاری خاص همسرمان اعم از مطلوب و نامطلوب) تعریف شده است. فرد پیش بینی پذیر به طور یکسان و ثابتی رفتار می کند و این ثبات رفتار، حتی شامل جنبه های بد رفتار او نیز می شود. عقاید (ایمان) میزان ایمان و اعتمادی که نسب به همسر خود در تمام حالات زندگی دارد، بیان می شود، قابلیت اعتماد و اطمینان به صورت (توانایی اعتماد به همسر در هنگام مواجهه با خطر و آسیب بالقوه) تعریف شده و نیز به معنای ویژگی ای که فرد را قادر می سازد احساس کند همسرش به حمایت و توجه به او ادامه می دهد و در همه حال خیرخواه و وفادار به او است.

پرسشنامه ی تجربه ی روابط نزدیک (سبک های دل بستگی)

این پرسش نامه توسط برنن، کلارک و شاور^۱ (۱۹۹۸) ساخته شده و برای تعیین سبک دل بستگی به کار می رود. این پرسش نامه ۳۶ عبارت دارد که در مقابل هر گویه یک مقیاس لیکرت ۷ گزینه قرار دارد: که به فرد از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم، نمره ۱ تا ۷ داده می شود. برای محاسبه نمره هر فرد پس از نمره گذاری به شکل زیر، میانگین نمره هر خرده مقیاس محاسبه و در نمودار دو بعدی رسم می گردد تا مشخص شود که فرد در کدام یک و کجای ربع ها قرار دارد. این پرسش نامه شامل دو عامل اضطراب و

^۱ Brennan & Clark & Shaver



اجتناب است که ۱۸ عبارت مربوط به اضطراب است (سؤال ۱ تا ۱۸) و ۱۸ عبارت مربوط به اجتناب است (سؤال ۱۹ تا ۳۶). بنابراین نمره های این پرسش نامه با جمع نمرات ماده های هر عامل به دست می آید که سؤالات ۹، ۱۲، ۲۰، ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ معکوس نمره گذاری می شوند، یعنی متوسط نمره در ۱۸ سؤال اول سبک دل بستگی اضطراب را نشان می دهد و متوسط نمره در ۱۸ سؤال دوم سبک دل بستگی اجتناب را نشان می دهد. سبک دل بستگی هر فرد با توجه به نمره های که در دو عامل اضطراب و اجتناب به دست می آورد، تعیین می شود. بدین صورت که هر گاه فرد هم در اضطراب و هم در اجتناب نمره ی بالا کسب کند، سبک دل بستگی وی اجتنابی هراسان خواهد بود. اگر در اضطراب نمره ی پایین کسب کند، سبک دل مشغول (نگران) و کسی که در هر دو عامل نمره ی پائین به دست آورد، سبک دل بستگی وی ایمن خواهد بود. پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش بازآزمایی و در طول یک دوره ی ۸ هفته ای بیشتر از ۰/۷۰ محاسبه شد فرالی^۱ (۲۰۰۵). این مقیاس در داخل کشور توسط شکرکن و همکارانش در سال ۱۳۸۵، هنجاریابی شده است. پایایی آن با استفاده از روش آلفایکرونباخ و تصنیف زوج و فرد برای خرده مقیاس اضطرابی بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۶ و برای مقیاس اجتنابی بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۹ محاسبه شده است (شکرکن و همکاران، ۱۳۸۵). پایایی پرسشنامه سبک های دل بستگی در این پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ انجام گردیده است. حاصل این آزمون برای ۱۶۲ زوج پاسخ گو با ۳۶ پرسش سبکهای دل بستگی، با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۸۳۲ به دست آمد و قابلیت اعتماد (پایایی) این پرسش نامه مورد تایید می باشد.

پرسش نامه اعتماد در روابط نزدیک

مقیاس اولیه اعتماد در روابط نزدیک دارای ۲۶ عبارت بود که پس از مطالعات مقدماتی، عباراتی که همبستگی آنها کمتر از ۰/۳۰ بود حذف شدند و در نتیجه تعداد آن به ۱۸ عدد کاهش یافت. ضریب آلفای کل آزمون برابر با ۰/۸۱ است و ضریب آلفای کرونباخ زیر مقیاس پیش بینی پذیری برابر با ۰/۷۱، قابلیت اعتماد ۰/۷۲ و وفاداری ۰/۸۰ گزارش شده است. این آزمون یک ابزار خودگزارشی ۱۸ گویه ای است که آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۷ درجه ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) میزان مخالفت یا موافقت خود با هر یک از گویه ها را مشخص کند. مقیاس اعتماد به منظور ارزیابی میزان اعتماد افراد به همسر ساخته شده است. بعضی از گویه های این پرسشنامه از مقیاس روابط بین فردی (IRS) که توسط شلاین، گورنی و استور تهیه شده، گرفته شده است. این مقیاس دارای سه زیرمقیاس است: پیش بینی پذیری پنج عبارت (۴، ۵، ۶، ۸، ۱۴)، قابلیت اعتماد پنج عبارت (۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۷)، و وفاداری هشت عبارت (۲، ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۸) است. پیش بینی پذیری به عنوان (توانایی ما در پیشگویی رفتار های خاص همسر اعم از مطلوب و نامطلوب) تعریف شده است. فرد پیش بینی پذیر به طور یکسان و ثابتی رفتار می کند و این ثبات رفتار، حتی شامل جنبه های بد رفتار او نیز می شود. قابلیت اعتماد به صورت (توانایی اعتماد به همسر در هنگام مواجهه با خطر و آسیب بالقوه) تعریف شده و وفاداری نیز به معنای ویژگی های می باشد که فرد را قادر می سازد تا احساس کند که همسرش به حمایت و توجه به او ادامه خواهد داد، گفته می شود. برای به دست آوردن نمره کل مقیاس اعتماد در روابط نزدیک بین فردی باید امتیاز همه عبارات را با هم جمع کنید، پایین ترین نمره ۱۸ (نشانیگر اعتماد پایین فرد نسبت به همسر) و بالاترین نمره ۱۲۶ (بیانگر اعتماد زیاد فرد) است. در این پژوهش با نمونه ۳۲۴ نفر (۱۶۲ زوج) با قابلیت اطمینان ۰/۸۳۸ (آلفای کرونباخ) در سطح ۰/۰۵ معناداری است بدین معنی است که این پرسشنامه مورد تایید می باشد.

روش گرد آوری داده ها: در این پژوهش محقق از شیوه ی مصاحبه میدانی و ابزار پرسشنامه ای در جهت جمع آوری داده ها استفاده نموده است. ابتدا پس از تهیه ی پرسشنامه ها و اجازه استفاده از طراحان آنها، این پرسشنامه ها توسط پنج تن از اساتید گروه روان شناسی و مشاوره دانشگاه هرمزگان نیز مورد تایید واقع شد. سپس ۳۸۴ پرسش نامه بین شرکتکنندگان توزیع گردید

¹ Fraley



پس از توزیع پرسش نامه بین شرکتکنندگان (زوج ها) و شرح مختصر جهت توجیه آن ها، از شرکتکنندگان خواسته شد که پرسشنامه را به دقت خوانده و طور مستقل به پرسش نامه پاسخ دهند. اجرای این پژوهش به مدت ۱۱ ماه از اول اسفند ماه ۱۳۹۰ تا بهمن ماه ۱۳۹۱ به طول انجامید و شیوه اجرا به این صورت بود که محقق شخصاً پرسشنامه را در پاکت های جداگانه همراه با توضیحات لازم به تک تک زوج ها تحویل داد و پس از تکمیل آن را دریافت می نمود به طور کلی از ۳۸۴ پرسش نامه توزیع شده، در بین ۱۹۲ زوج ۱۸۳ زوج پرسش نامه به محقق عودت داده شد، در نهایت پس از جمع آوری اطلاعات پاسخ نامه های ناقص و پاسخ نامه های که تنها یکی از زوجین آن را تکمیل نموده است از جریانه تحلیل حذف شدند در پایان تعداد پرسشنامه های ۳۲۴ نفر (۱۶۲ زوج) با استفاده از نرم افزار ۱۶ SPSS، مورد تجزیه و تحلیل های آماری قرار گرفت.

یافته ها

در این پژوهش فراوانی و درصد فراوانی شرکت کنندگان این گونه بود رده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۳۱ تا ۴۰، ۴۱ تا ۵۰ و ۵۱ سال به بالا هر کدام به ترتیب با ۳/۲۶، ۷/۷، ۱۷/۵۰ و ۵/۳ درصد. همچنین افراد با ۲ تا ۵ سال، ۶ تا ۱۰، ۱۱ تا ۱۵ و ۱۶ سال و بالاتر به ترتیب با ۶۴/۷، ۱۰، ۸/۶ و ۱۶/۷ درصد حجم نمونه را بر حسب طول زندگی مشترک زناشویی زوجین به خود اختصاص داده اند. سؤال: آیا اعتماد و دلبستگی زوجین، روابط نزدیک بین فردی آن ها را پیش بینی می کند؟

جدول ۱: روش ورود، R ، R^2 و خطای استاندارد مدل رگرسیونی اعتماد و دلبستگی با روابط نزدیک بین فردی زوجین.

متغیر وابسته	متغیر مستقل	R	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین شده	خطای استاندارد
روابط نزدیک بین فردی	اعتماد و دلبستگی	۰/۳۳۱	۰/۱۱۰	۰/۰۸۱	۱/۰۳۲۳۸

جهت تحلیل این سؤال از رگرسیون به روش ورود استفاده شده است. همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود. ضریب همبستگی R بین اعتماد و روابط نزدیک بین فردی زوجین ۰/۳۳۱ است و ضریب تعیین R^2 برابر ۰/۱۱۰ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۰۸۱ و خطای استاندارد ۱/۰۳۲۳۸ می باشد در این پژوهش اعتماد و دلبستگی زوجین با روابط نزدیک بین فردی آن ها رابطه دارد و به طور کلی متغیر های مستقل اعتماد و دلبستگی زوجین می توانند متغیر وابسته روابط نزدیک بین فردی زوجین را تبیین نمایند

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس یک راهه مدل رگرسیونی مربوط به اعتماد و دلبستگی در روابط نزدیک بین فردی زوجین

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین ها	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۲۰/۴۷۳	۵	۴/۰۹۵	۳/۸۴۲	۰/۰۰۳
باقی مانده	۱۶۶	۱۵۶	۱/۰۶۶		
کل	۱۷۳۹	۱۶۱			
	۱۸۶				



همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌گردد، مدل رگرسیونی برای پیش‌بینی روابط نزدیک بین فردی زوجین توسط ابعاد دل‌بستگی و اعتماد معنادار است. با توجه به مقدار $F=3/842$ ، با درجات آزادی $df = 5, 156$ این مقدار در سطح $P < 0/003$ معناداری مشاهده شد، به این معنی که مقدار F حاصله نشان می‌دهد که این دو متغیر به عنوان متغیرهای اثر گذار و معنادار در پیش‌بینی متغیر وابسته روابط نزدیک بین فردی هستند. برای مشخص کردن دقیق‌تر این که کدام یک از خرده‌مقیاس‌ها سهم بیشتری در پیش‌بینی روابط نزدیک بین فردی دارند، جدول ۳ ضرایب مدل رگرسیونی مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۳: ضرایب رگرسیونی مربوط به پیش‌بینی اعتماد و ابعاد دل‌بستگی با روابط نزدیک بین فردی زوجین.

مدل	ضرایب غیر استاندارد		مقدار t	p
	مقدار B	خطای استاندارد B		
مقدار ثابت	۲/۶۷	۴/۵۸	۶/۰۷۶	۰/۰۰۱
اعتماد	۰/۰۴	۳/۰۳۹	۱/۱۶۲	۰/۲۴۷
دل‌بستگی ایمن	۱/۰۴۴	۰/۳۳۱	-۱/۲۵۴	۰/۲۱۲
اضطرابی	۱/۰۰۹۵	۰/۹۲۰	۰/۸۴۱	۰/۴۰۲
اجتنابی	۱/۰۱	۳/۴۳	۰/۳۱۲	۰/۷۵۶
اجتنابی هراسان	۱/۷	۷/۳۳۹	۱/۲۸۷	۰/۷۵۴

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقادیر بتا β و T به دست آمده برای بعد دل‌بستگی ایمن زوجین برابر $\beta = -0/331$ و $T = -1/254$ که در سطح $P < 0/212$ معنادار است، برای بعد دل‌بستگی اجتنابی زوجین برابر $\beta = 0/122$ و $T = 0/312$ در سطح $P < 0/756$ معنادار است، برای بعد دل‌بستگی اضطرابی برابر $\beta = 0/378$ و $T = 0/841$ در سطح $P < 0/402$ معنادار است، و برای بعد دل‌بستگی اجتنابی هراسان $\beta = -0/157$ و $T = 0/314$ در سطح $P < 0/754$ معنادار است، برای اعتماد برابر $\beta = 0/089$ و $T = -1/162$ در سطح $P < 0/247$ معنادار است، که با توجه به مقادیر t به دست آمده می‌توان استنباط کرد که دل‌بستگی ایمن، اجتنابی، اضطرابی، اجتنابی هراسان و اعتماد زوجین با روابط نزدیک بین فردی رابطه دارند. لذا از بین متغیرهای در جدول شماره ۳ سبک اجتنابی بیشترین مقدار پیش‌بینی را در واریانس متغیر وابسته روابط نزدیک بین فردی دارد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سوال این‌گونه مطرح شد که آیا اعتماد و دل‌بستگی زوجین، روابط نزدیک بین فردی آنها را پیش‌بینی می‌کند؟ به‌طور کلی در این پژوهش ابعاد دل‌بستگی و اعتماد در روابط نزدیک زوجین با روابط نزدیک بین فردی آنها رابطه دارند ابعاد دل‌بستگی و اعتماد در روابط نزدیک زوجین به عنوان متغیرهای مستقل می‌توانند متغیر وابسته روابط نزدیک بین فردی زوجین را پیش‌بینی و تبیین نمایند. یافته‌های این پژوهش، با نتایج بسیاری از یافته‌های پژوهش‌های خارجی همسو و هماهنگ بود از جمله می‌توان به پژوهش‌های (واگن، ۲۰۱۱)، (سامسون، کولینز، ترن و هایدن، ۲۰۰۷)، (کافیتوس و سایدرایدز، ۲۰۰۶)، (نستا و گیبل، ۲۰۰۵)، (نجم، ۲۰۰۵)، (بانس، ۲۰۰۴)، (الیوز و کاستا، ۲۰۰۰)، (فینی، ۱۹۹۹)، (فرالی و شاور، ۱۹۹۸)، (برنیان و موریس، ۱۹۹۷)، (سیمپسون و همکاران، ۱۹۹۶)، (لویکیو بانکر، ۱۹۹۵)، (پینز آیزنر، ۱۹۹۲)، (رمپل و همکاران، ۱۹۸۵) و (هازان و شاور، ۱۹۸۰)، اشاره کرد.



تبیین های که برای این یافته ها مطرح می باشد، این است که اعتماد به خود و دیگران، به عنوان یکی از مبانی روانی فردی، افراد را در جلب کمک و مساعدت از دیگران یاری می رساند و زمینه برون روانی و اجتماعی یک ارتباط سالم را برای آنها فراهم می سازد. در زندگی زناشویی نیز، این افراد با ایجاد ارتباط سالم و به هنجار با همسر خود شرایط رضایتمندی را فراهم می سازند. درک مثبت و حمایت اجتماعی، دو مشخصه است. که تعامل های حمایتی زوجین را تقویت می کند، که این خود منجر به رضایت مندی در روابط زناشویی می شود. رفتار اکتشافی و انعطاف پذیری، جسارت لازم را برای آزمون گری و تجربه آموزی در اختیار فرد قرار می دهد. با این وجود مهارت های حل مسئله در افراد سبب کاهش مشکلات در روابط نزدیک بین فردی می شود و ارضای مجاورت نیز، بازخوردهای مثبت و دوسویه حاصل از نزدیکی در روابط با دیگران، مهارت های ارتباطی فرد و روابط بین شخصی و متقابل فرد با دیگران و بهبود روابط زناشویی را در پی خواهد داشت. همچنین تمایل به بخشش و مهار هیجان های منفی و سخت گیری نکردن نسبت به خطاها در ارتباط های زوجین با افزایش رضایت مندی در روابط نزدیک همراه است. در پرتو این مهارت هاست که مشکلات زناشویی در افراد کمتر مجال ظهور می یابد و باعث افزایش رضایت مندی در روابط نزدیک در آنان می شود (هازان و شاور، ۱۹۸۷). محققین پیشنهاد کردند که پیوند بین سبک دلبستگی و رضایت از رابطه، ممکن است تا حدودی از شیوه های ارتباط سبک دلبستگی گروه های متفاوت ناشی شود. به این صورت که در ایجاد اعتماد و پیوند بین دلبستگی و رضایت از روابط نزدیک بین فردی، الگوهای ارتباطی ممکن است به عنوان متغیر وابسته عمل کنند. اما مؤلفان اذعان می کنند که در عملیافته های آن ها از این فرضیه حمایت نمی کند. بلکه این نکته را برجسته ساخته اند که دست کم در اوایل ازدواج، دلبستگی ارتباط، تأثیرات مستقلی بر رضایت خاطر زوجین از پیوندشان دارند. اعتماد و اطمینان یکی از دغدغه های هر خانواده در جامعه است. کاهش اعتماد بین افراد در خانواده به ویژه همسران رواج بی اعتمادی در جامعه را رقم خواهد زد این مهم تداوم زندگی را دچار مشکل می کند و سبب نوعی ترس از برقراری رابطه و احساس ناامنی بین اعضا آن خواهد شد که مانع از تداوم و تقویت رابطه و کاهش همکاری و گسترش تعاملات در ابعاد مختلف می گردد در این صورت فردگرایی و به دنبال آن منفعت طلبی در خانواده و جامعه رواج می یابد سوی دیگر، اعضای خانواده ممکن است که با تأیید اعتماد پیش بینی شده واکنش نشان دهند، و اعتماد انگیزشی متقابل را هم چنان حفظ و نگهداری نمایند. از این رو آنهایی که اعتماد نموده اند توانسته اند فواید مورد انتظارشان را از اعتماد بدست آورند. اگر پیش بینی به درستی تحقق پیدا کند، واکنش ها دارای تأثیر مثبت و مؤثری خواهند بود. برای اینکه اعتماد و انگیزش موجب اعتماد متقابل شود، نیاز به وجود تبادل متقابل است، وقتی که فرد از اعتماد نمودن نفعی را کسب می نماید به سمت اعتماد نمودن مجدد خواهد رفت. در همه حال فرد نوعی رضایت روان شناختی پیدا می کند که موجب تقویت عزت نفس وی می شود، و شخص را ترغیب به اعتماد نمودن در آینده می نماید (کلمن، ۱۹۹۰). اما در بی اعتمادی دقیقاً صورتی متضادی با اعتماد وجود دارد. فرد از ورود به تعامل با دیگران بازداشته می شود. بنابراین ممکن است فرصت های زیادی را از دست بدهد و تمامی حرکت هایش به دقت کنترل شوند همیشه تحت مراقبت قرار گیرد، و فقط به امور روزمره اکتفا می نماید (از هر نوع ابداع و نوآوری پرهیز می نماید). میزان بسیج، فعال گرایی و آزادی تقلیل پیدا می کند و در مواردی حتی انتظار بی اعتمادی متقابل را دارد که اثرات مضر دارد. با کاهش اعتماد همراه است، زوجین نوعی حس بدبینی تدافعی را برای حفاظت خود در برابر مخاطره و آسیب پذیری توسعه می دهند آن ها احتمالاً مجبور به داشتن ذهن و اندیشه ای بسته هستند و با همسرشان وارد روابط باز و شفاف نمی شوند. نگاه به رفتار مثبت دیگران بدبینانه خواهد بود. (مورایی، ۲۰۰۹) آشکار شدن آثار اعتماد ممکن است دلیل و شهادی برای دیگران باشد تا آن ها نیز به دیگران اعتماد نمایند. بنابراین دریافت اعتماد قابلیت اعتماد را در شخص و تبادل آن را با دیگران افزایش می دهد. کسب اعتماد اعتباری یک امتیاز است که قابلیت اعتماد را افزایش می دهد. بی اعتمادی دقیقاً موجب عکس این پیامدها دست های فرد را به واسطه پیشگرمی و نظارت بر کنش های طرف می بندد و فرد را مجبور به مراقبت و عادات تدافعی می کند، و او را از تلاش باز می دارد. هم چنین شخص را از نیازهای که ضروری هستند محروم می کند و موجب عدم



اعطاء اعتماد می شود. اعتماد در مجموع منجر به کاهش فعالیت، انزواجویی، و رفتار خصمانه بازدارنده می شود. اعتماد مشارکت با دیگران در اشکال مختلفی از خانواده گرفته تا انجمن و تقویت شبکه ای از پیوندهای بین فردی، و بسط زمینه تعاملات را موجب می شود و زمینه را برای افزایش تماس های صمیمی و گرم در روابط نزدیک بین فردی فراهم می کند افزایش می دهد (هولمز و رمپل، ۱۹۸۹).

در مورد اعتماد در روابط نزدیک بین فردی زوجین می توان این گونه گفت که اعتماد همسران، نیاز به مورد اعتماد قرار گرفتن و تصدیق شدن از سوی همسر است که فرد را به خوب بودن تشویق می کند. وقتی اعتماد و اطمینانی در کار نباشد، اشخاص درباره قصد و نیت دیگران، مصرا نه اقدام به نتیجه گیری اشتباه و منفی می کنند در حالی که اعتماد و اطمینان، هر توهین و بی حرمتی را در سایه تردید قرار می دهد. اعتماد و اطمینان زمانی در رابطه ی زناشویی رشد می کند که هر یک از زوجین به این نتیجه برسند که طرف مقابل، قصد آسیب رساندن و لطمه زدن به آن ها را ندارد، بلکه تنها هدفش حمایت کردن از آنها است. اعتماد کردن یعنی باور داشتن توانایی ها، صداقت، اطمینان، و صمیمیت فرد دیگر. نیاز به تصدیق شدن و مورد اعتماد بودن از سوی همسر است، که فرد را شخصی مطلوب و مقبول ارزیابی می کند. وقتی اعتماد و اطمینانی در کار نباشد، اشخاص در برخورد با نیت های دیگران، پیش داوری های منفی می کنند. وقتی به کسی اعتماد می کنند، در برخورد با هر لغزش او می گویند: به طور حتم دلیلی برای این کار او وجود داشته است. اعتماد و اطمینان، زمانی در یک رابطه رشد می کند که زن و شوهر به این مسأله توجه داشته باشند که رفتار دیگری، به قصد رنجاندن و آسیب رساندن نیست، بلکه هدفش تنها حمایت کردن است. اگر یکی از زوجین به همسر خود اعتماد نداشته باشد و انگیزه ها، توانایی ها، تفکرات، تصمیمات و رفتار او را نپذیرد، در بیشتر مواقع فرد رنجیده، آزرده و ناتوان می گردد. در چنین مواقعی افراد به طور عمومی هویت خود را با رفتارشان مشخص می کنند، زمانی که فرد متوجه می گردد اعمال و کردارش مورد اعتماد، استقبال یا پذیرش واقع نگردیده است، تمام عوارض و نشانه های آسیب دیدگی، آزرده گی و رنجش خود را به نمایش می گذارد و در عمق باطن خود به کفایت و شایستگی خویش، مشکوک می شود. اعتماد داشتن واگیردار است. اطمینان نداشتن هم همین گونه است. هر یک از زوجین از طریق اعتمادی که همسرش نسبت به او دارد، موفق می شود قدرت زیادی در شناخت میزان توانایی، مهارت ها، و استعدادهایش پیدا کند. هنگامی که فرد اطمینان یابد که همسرش به او اعتماد دارد، او احساس امنیت می نماید. در چنین مواقع حساسی که او احساسات شکننده ای را در میان می گذارد، این حس اعتماد است که او را در یاری دادن تشویق می نماید. هم چنین فردی که به همسرش اعتماد داشته باشد، درک می کند که همسرش تا چه حد قادر به حمایت از او می باشد، و انتظار زیادی از او نخواهد داشت. در اینحال، فرد قادر است آنچه را که می تواند برای طرف مقابل، از خود مایه بگذارد، به طور کامل پذیرفته و قدر آن را بدانند. حال دیگر فرد نیازی ندارد که کسی را پیدا کند و راجع به آسیب پذیری و مصائب خود سخن بگوید و در عین حال از بیان احساسات شکننده ی خود به همسرش که بسیار مورد اطمینان او می باشد، مضایقه نخواهد کرد. یکی از مسؤولیت هایی که بر دوش زوجین قرار دارد این است که بارها در خود ایجاد اعتماد نماید. البته فرد هم باید در مسؤولیت کسب این اعتماد با همسرش، همکاری نماید. اگر در مواقعی که وی همسرش را آزرده نموده است از او پوزش نخواهد، ندانسته بین خود و همسرش فاصله ایجاد می کند. باید توجه داشت که بیشتر مواقع مردان اهمیت و نقش ترحم و دلسوزی و عذرخواهی را نمی دانند. این مسؤولیت زن است که باعث شود، مرد آگاه شود چه موضوعاتی را بازگو کند که همسرش به شنیدن آن علاقه نشان دهد و آن ها را دوست داشته باشد. وقتی فرد حس می کند که همسرش به او اعتماد دارد، احساس ارزش مندی می کند. هر یک از زوجین نیاز دارند همان طوری که هستند پذیرفته شوند و مورد اعتماد واقع گردند، این نکته وابسته به احساساتی است که هر یک از طرفین اهدا می نماید. از سوی دیگر ممکن است زن و شوهر به رغم تعهد نسبت به ازدواج خود نتوانند احساس اعتماد و اطمینان محکمی در خود ایجاد نمایند. مثلاً به این باور توجه کنید که قرار است زن یا شوهر هرگز به عمد اقدامی برای لطمه زدن به همسرش انجام ندهد و در وقت نیاز به کمک او بشتابد. ایجاد اعتماد دشوار و از میان بردنش سهل است.



منابع

منابع فارسی

- باستانی، سوسن؛ کمالی، افسانه و صالحی هیکویی، مریم (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۱.
- خسروی، صدراله؛ نشاط دوست، حمید؛ مولوی، حسین و کلانتری، مهرداد (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش الگوی ارتباطی خانواده کثرت گرا بر رضایت از زندگی زوجین، مجله پزشکی هرمزگان، سال پانزدهم، شماره اول.
- خنفیر، حسین زرنندی و نفیسه (۱۳۸۹). بازگویی مفهوم اعتماد در سازمان انتشارات مؤسسه انتشارات بعث تهران، زمستان ۱۳۸۹، چاپ اول، شابک ۹-۳۵-۵۱۱۶-۶۰۰-۹۷۸.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۵). اعتمادسازی، مشارکت اجتماعی و امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات پلیس، توسعه و دانشگاه، استان مرکزی، معاونت اجتماعی فا، ۱۳۸۵.
- کاپلان، هارولد و سادوک، ویرجینیا (۱۳۸۴). خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری - روانپزشکی بالینی جلد دوم. ترجمه نصرت ا... پورافکاری؛ تهران: انتشارات شهرآب. چاپ اول.
- کربلایی اسماعیلی، حمیدرضا؛ انوری، قدسی؛ نجورابی، نوشین و خواجه حسین، حمداله (۱۳۸۵). بررسی میزان اثربخشی آموزش مهارت های زندگی در تغییر نگرش نوجوانان دارای معلولیت. اصفهان: بهزیستی.
- مردانی حموله، مرجان و حیدری، هایده (۱۳۸۹). ارتباط خوش بینی و سبک های دلبستگی بارضایت زناشویی در کارکنان بیمارستان، فصل نامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره هشتم، شماره اول.
- مظاهری، محمد علی (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنشوری ازدواج. مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران، سال چهارم، شماره سوم.

Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. I. Attachment*. New York: Basis books.

Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss: separation*. New York: Basic Books.

Coleman, J. C. 1990, *Foundations of Social Theory*, Cambridge, Mass.: Harvard University Press.

Collins, N.L., & Feeney, B.C. (2004). Working models of attachment shape perception of social support: Evidence from experimental and observational studies. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87, 363-383.

Crowell, J. & Treboux, D. (2001). *Attachment security in adult partner-ships. Adult attachment and couple psychotherapy; The secure base in practice and research*. East Sussex: Brunner-Routledge. 28-43.

Hazan, C., & Shaver, P. (1987). *Romantic love conceptualized as an attachment process*, *Journal of Personality and Social Psychology* 52, 511-24.



- Hazan, C., & Shaver, P.R. (1994). *Attachment as an organizational framework for research on closerelationship*. Psychological Inquiry, 5, 1-22.
- Holmes, J. G., & Rempel, J. K.(1989). "Trust in close relationships," in C. Hendrick (ed.), *Close relationships, special issue of Personality and Social Psychology*, No. 10, Newbury Park, Calif.
- Khalfan. Malik , McDermott. Peter, & Swan. Will. (2007). *Building trust in construction projects , Supply chain Management: An International Journal*, Vol. 12 , No. 6 , pp. 385 -.391
- Mikulincer, M.& Shaver,P.(2005). *Attachment theory and research: Resurrection of the psychodynamic approach to personality*. Journal of Research in Personality, 39, 22–45.
- Miller, P. E. & Rempel, J. (2011). *Trust and Partner-Enhancing Attributions in Close Relationships, Personality and Social Psychology Bulletin*, 30, 695-705.
- Moshman, D. (1999). *Adolescent Psychological Development, Rationality, Morality, and Identity*, New Jersey, Lawrence Erlbaum Associates, pp. 80, 83, 133-116.
- Murray, S. L., Aloni, M., Holmes, J. G., Derrick, J. L., Stinson, D. A., & Leder, S. (2009). *Fostering partner dependence as trust insurance: The implicit contingencies of the exchange script in close relationships*. Journal of Personality and Social Psychology, 96, 324-348.
- Murray, S. L., Holmes, J. G., Podchaski, E. J., Rose, P., Derrick, J., & Bellavia, G. (2006). *Putting the Partner Within Reach: A Dyadic Perspective on Felt Security in Close Relationships*, Journal of Personality and Social Psychology, 88, 327-347.
- Vaughn. Karen.s. (2011). *The Constructs of Trust in Close Interpersonal Personal Relationships*. Doctoral Dissertation, University of Oklahoma,(2011).
- Ziv ,A. (2010). *The social function of humor in interpersonal relationships*. Journal of springer science&Business media,47,11-18.